

آغازگری تنها

درس پنجم

بند اول : نوجوانی میان بالا ... یعنی روسیه بود .

قلمرو زبانی و ادبی : بر: سینه / میان بالا : بلند قد / رعنا : خوش قد و قامت / فراخ : پهن / اسبی سینه فراخ : اسب قوی و کوه پیکر / اعطا : دادن / اعطای نشان ولایتعهدی : دادن نشان جانشینی شاه / دار السلطنه : پایتخت / ترکیب های وصفی سطر اول : نوجوانی میان بالا - بر خوش تراش - و بازویی خوش تراش - بر رعنا - بازوی رعنا - اسبی سینه فراخ / این شهر کهن : بدل تبریز / عباس میرزا : بدل /

قلمرو ادبی : پشت سر گذاشتن کنایه از : ترک کردن / راهی کردن کنایه از فرستادن

بند دوم : با کشته شدن آغا خان ... رعیت پروری را می خواند .

قلمرو زبانی: اذن : اجازه ، رخصت / رعیت : عامه مردم / نه تنها وزیر خردمند بلکه مرشد ... : حرف « نه » و « بلکه » ، حرف ربط / یک جهان : قید

قلمرو ادبی : دست به کاری نمی زد : کنایه از : به انجام کاری اقدام نمی کرد . / افق تدبیر : اضافه استعاری / برتخت نشستن : کنایه از پادشاه شدن

بند سوم : یک قرن بیشتر ... به تصرف قدرتهای اروپایی درآمد.

قلمرو زبانی: تباهی: نابودی / مشام: بینی / دیار: سرزمین / میدان تاخت و تاز و کشتار و تباهی: ۳ ترکیب اضافی (میدان تاخت و تاز - میدان کشتار - میدان تباهی) / برپا کردن کنایه از آماده کردن / قدم برداشتن کنایه از اقدام کردن / قلمرو ادبی: تشبیه: اختلافات و جنگ های داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است. / پهلوی کشور: تشخیص / به جان هم افتادن کنایه از با هم جنگیدن / بوی پیشرفت: حس آمیزی / به مشام رسیدن بو: کنایه از آگاه شدن

بند چهارم: اروپا قدم های بزرگ ... از توپ و تفنگ است.

قلمرو زبانی: ای کاش: شبه جمله

قلمرو ادبی: پا به پا کنایه از همراه / اروپا قدم های بزرگ برداشته: تشخیص / قدم های بزرگ برداشتن کنایه از گام را برای پیشرفت برداشتن
بند پنجم: نوروز ۱۱۸۳ ه.ش. بود و... چشم طمع دوخته بود.

قلمرو زبانی: لعاب: آب دهان، روکش مخصوص که روی سفال و کاشی می کشند. / التهاب: برافروختگی / بختک: کابوس / چنبره: حلقه.

قلمرو ادبی: چشم طمع: اضافه استعاری / جلوه بساط: اضافه استعاری / باز کردن جای بیشتر در دل کنایه از جلب محبت بیشتر / لعاب تشریفات: تشبیه / لعاب به رو داشتن: کنایه از ظاهری بودن / فکر بختک وار: تشبیه / چنبر زدن فکر: تشخیص / سایه وحشت: خارج از جمله اضافه استعاری، اما در متن درس، اضافه تشبیهی / سایه وحشت انداختن کنایه از فرا گرفتن

بند ششم: صبح حرکت فرارسید ... دل از ناظران میبرد

قلمرو زبانی: زنبورک: نوعی توپ جنگی کوچک که در زمان صفویه و قاجاریه به شتر می بستند. / تنوره: دودکش. / درهم رفته بود: ناراحت بود (ترسیده بود) / چابک: ماهر، زرنگ

قلمرو ادبی: تیغ کشیدن آفتاب: تشخیص و کنایه از طلوع کردن / تنوره کشیدن شور: تشخیص / قدم برداشتن: کنایه از حرکت کردن / گرفته بودن چهره: کنایه از ناراحت بودن / شکفته شدن چهره: تشخیص و کنایه از شادمانی / کوه پیکر: تشبیه / عباس میرزا مانند معبد: تشبیه / دل بردن کنایه از شیفته کردن / جلوه گری کردن کنایه از خودنمایی
بند هفتم: سپیده فردای گنجه با نهیب در پهنه شهر پراکنده شدند

قلمرو زبانی: نهیب: آواز مهیب / صفیر: بانگ و فریاد هم آوای آن «صفیر» / توده: انبوه / آز: حرص و طمع / وامانده: ناتوان

قلمرو ادبی: استعاره: شکفتن صبح (صبح مانند گلی است که می شکفتد) / باز شدن سپیده: تشخیص / حلقه های شب: اضافه استعاری / فوران خشم: استعاره / بار خفت: تشبیه / وامانده رفتن و ماندن کنایه از عاجز شدن / روس ها مثل مور و ملخ: تشبیه // بار چیزی رو بردوش کشیدن کنایه از تحمل
بند هشتم: مردم با سنگ پاره ... از این ها دوخته شده بود.

قلمرو زبانی: سنگ پاره: ترکیب وصفی مقلوب / بی باکانه: بدون ترس - قید / به اهتزاز در آمد: برافراشته شد / دهشت: ترسناک

قلمرو ادبی: سینه سپر کردن: تشبیه و کنایه از فدا کردن / اجساد مثل برگ های خزان زده: تشبیه و کنایه از فراوانی / نفس کشیدن گنجه: استعاره / صف آتش: تشبیه / به صف آتش دشمن زدن کنایه از حمله کردن / صف مقاومت: تشبیه / شهر روز محشر را به یاد می آورد: تشخیص / باد بوی خون را تا فراز قله می برد: تشخیص
بند هشتم: نیروهای آماده در تبریز... بزم پدر، رزم پسر

قلمرو زبانی: توفندگی: توف «بن مضارع از مصدر توفیدن»؛ (توف + نده + ی) / وجد: هیجان / بزم پدر و رزم

پسر: بدل

موعد: هنگام، زمان / کرانه: ساحل / سدوار: مانند سد / بزم: جشن، مهمانی / رزم: جنگ / سرسپردگی: فرمان برداری
قلمرو ادبی: تشخیص: قفقاز زخم خورده / قفقاز مجاز از «مردم» است / تشبیه: موج ها مانند سد بودند / باز شدن دروازه کنایه از تسلیم شدن / موج افسار گسیخته: استعاره مکنیه / ایستادن موج در برابر سپاه: تشبیه و کنایه از مانع شدن / خیره کردن چشم کنایه از حیران کردن / بزم و رزم: جناس و تضاد / نسبت دادن زخم خورده بر ستم دیده و نگاه منتظر برارس: تشخیص / سد وار: تشبیه

بند نهم: در ذهن عباس میرزا، ... به جا گذاشته بود

قلمرو ادبی: حضور سنگین: حس آمیزی / معمای افت وخیز: تشبیه // تجربه شکست: تشبیه / فراز ونشیب: تضاد / فراز ونشیب نبرد: استعاره مکنیه و کنایه از شکست و کامیابی در جنگ
بند دهم: نایب السلطنه رو کرد ... دفاع و جنگ نیست.

بند یازدهم: برهنگان مسلم است ... گلستان شدیم

قلمرو زبانی: خفت: خواری / خوف: ترس / علی رغم: با وجود

قلمرو ادبی: بار خفت وخوف: اضافه تشبیهی / بار خفت بردوش کشیدن کنایه از تحمل خواری

بند دوازدهم: پیشرفت و تمدن ... از مرزها رادارد

بند سیزدهم: مردمی که به خانه های ... و در این یک، درایت.

قلمرو ادبی: خانه های تاریک و بی دریچه: استعاره از افکار پوسیده و قدیمی و جاهل و ناآگاهی / پنجره های باز ونورگیر: استعاره از افکار نو / زدن چشم: کنایه از ناراحت کردن / شجاعت و درایت: سجع

عباس میرزا، آغازگری تنها، مجید واعظی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- هم آوای کلمه «صغیر» را بنویسید و آن را در جمله ای به کار ببرید. سفیر، سفیر ایران مطالب مهمی را بیان کرد.

۲) چهار «ترکیب اضافی» را که اهمیّت املائی داشته باشند، از متن درس انتخاب کنید.

اعطای نشان - بی اذن او - نقاط جهان - تصرف قدرت ها

۳-

اکنون واژه های زیر را یک بار به عنوان «شاخص» و بار دیگر به عنوان «هسته» گروه اسمی در جمله به کار ببرید.

کنایه از غلبه ناامیدی / پیدا شدن کور سو : کنایه از امیدوار شدن / تنبل شدن عقربه : کنایه از کند شدن زمان – تشخیص / مقاومت روح : استعاره مکنیه / شکستن مقاومت : استعاره مکنیه

آبی تر از آنیم که بی رنگ بمیریم / از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم

قلمرو ادبی : از شیشه نبودن کنایه از ضعیف نبودن / سنگ و رنگ : جناس / سنگ استعاره از دشمن / سنگ و شیشه : تضاد / آبی تر از آن : تشبیه / آبی : نماد پاکی

قلمرو فکری : ما شجاع تر از آنیم که بی هدف بمیریم و آن قدر ضعیف نیستیم که به دشمن تسلیم شویم .

فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد / در غیرت ما نیست که درنگ بمیریم

قلمرو ادبی : ای روح : استعاره و تشخیص / روح جنون : تشخیص / در ننگ مردن : کنایه از مرگ بی ارزش و بی هدف

قلمرو فکری : ای عشق به ما فرصت دوباره بده ، دوراز جوانمردی است که در اسارت بمیریم . شاعر دوبیت : محمد

عبدی

درک و دریافت

۱- متن « آغازگری تنها» و « تا غزل بعد» را از نظر زاویه دید و شخصیت های اصلی مقایسه نمایید.

زاویه دید آغازگری تنها : سوم شخص یا دانای کل – زاویه دید غزل بعد : اول شخص

شخصیت آغازگری تنها : عباس میرزا / شخصیت تا غزلی بعد : اصغر رباط جزئی ، معلمی که اسیر شده بود .

۲) در این متن ، از چه راهکارهایی در رویارویی با دشواریهای اسارت بهره گرفته شده است؟

کارهای فرهنگی مانند تدریس ، مقاله نویسی و مسابقات ورزشی